



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۱/۲۳

دوکتور محمد اکبر یوسفی

کلمات مترادف!

کلمات مترادف در همه زبان ها وجود داشته، بعضاً این چنین گروپ کلمات متعدد را هم معنی و یا در معنی و مفهوم با هم مشابه نیز می دانند. این هم واضح است که یک مفهوم با کلمات متعدد، در جاهای جداگانه لازم، که مورد استعمال بهتر می داشته باشد قرار گرفته، مطلب مطلوب را افاده می کند. به همین ترتیب حالاتی هم دیده می شود، که یک کلمه در موارد استعمال متفاوت، معنی دیگری داشته می تواند. در مطلب قبلی منتشر شده به قلم این نویسنده، در "آریانا افغانستان آنلاین"، نویسنده تلاش ورزیده است، تا عنوان تعیین شده: "تعصب را چگونه تعبیر می کنیم؟"، تا حد لازم کوتاه ارائه گردد.

نویسنده، یکی از استدلال های "فیلسوف معروف قرن بیست"، "کارل رایموند پوپر" را درست درک نموده از آن آموخته است که "تعریف" هر کلمه به عنوان یک "میثاق" و "پیمان" مفهوم است، و هم اینکه که تعریف کلمات و مفاهیم آن، انسان را به هدف نمی رساند. قبل از "میثاق" و بعد از "میثاق" در باره معضله و موضوع، شناخت و معلومات اضافی، حاصل نمی گردد. هدف نوشته، "تعصب را چگونه تعبیر می کنیم؟"، به هیچصورت، به خاطر تکمیل و یا انتقاد از نوشته های سائر نویسندگان محترم، نبوده است، نویسنده نه در انتظار "استقبال" و توصیف از تائید مطلب نشر شده بوده است و نه هم در برابر انتقاد و یا در صورت رد نظرات، از جانب دیگران، نا راحت می شود. نویسنده، "زبان شناس" نیست و هدف او هم این نیست که مدعی به غنا بخشیدن زبان های ملی باشد و یا آگاهی خودش را به زبان های خارجی معرفی کند. اما ازینکه فرصت نداشته است، تا برای هر یک از کلمات مترادف تعریف و توضیح لازم ارائه کند، هدف این بوده است تا بر برخی از موارد، بر مفاهیم با هم مرتبط روشنی انداخته شود. این مطلب از یک قسمتی از کار مفصلتر، گرفته شده بود و فراموش شد، تا مطلب، در قید سلسله بدست نشر، سپرده می شد. یکی از نویسندگان محترم، که ممکن حقوقدان باشند، با اشارات ایشان، کلمه «تبعیض» را طوری تعبیر کرده اند که گویا از جانب این نویسنده، ضعف در فهم این کلمه وجود داشته و نویسنده به مفهوم "تبعیض" نفهمیده باشد. هدف نویسنده مطلب "تعصب را چگونه تعبیر می کنیم؟"، پافشاری بر تعاریف کلمات و یا تحلیل و تجزیه آن از نگاه حقوق جزا در کدام کشور، نبوده است. نویسنده حقوق دان نه، بلکه ساحات مطالعه او ساختارهای اجتماعی است. برای نویسنده محترم تبصره کننده، باید گفت که کلمه "تبعیض" شاید تنها در "حقوق" بکار برده نشود. شما حق دارید بنویسید اما از نگاه اخلاقی لازم نیست، بدون دقت لازم، درک و فهم دیگران را تحت شک قرار دهید. از دید ایشان که فرق می بینند، حرفی وجود ندارد. اما آنچه در تحت نام مترادف اصطلاحات "لیست" شده است،

معنی آنرا ندارد که این کلمات در همه جا، یک صورت استعمال داشته باشد. هر گاه انسان بطور نمونه، تعصب "مذهبی" و یا "نژادی" نداشته باشد، ممکن در برابر کسی مرتکب "تبعیض" هم نشود. در عین حال وقتی افراد، بخصوص در کشور ما، در تحت تأثیر "روح - حزب" (party - Spirit) باشد، ممکن است در عمل آگاهانه و یا "نا آگاهانه" مرتکب "تبعیض" هم در برابر دیگران شوند، بخصوص وقتی قادر نباشد و یا نخواهد، موضوعات علمی را از یک موضع "نیوترال" بررسی کند.

در متن کلمات "مترادف" از مجموعه فرهنگ ها ("لیکسیکون ها") بزبان های مختلف نسبتاً، با عجله جمع آوری

Dogma

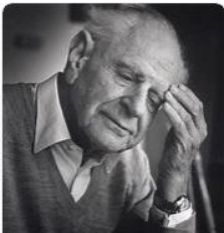


گردید که، لیست آن هنوز هم تکمیل نبوده است. کلمات مترادف تکرار یافته با کلمه "تعصب"، پیوند های مفهومی نشان می دهد. "تعصب" و "متعصب" تنها در کتگوری "مذهب" و "مذهبیون" محدود نمی ماند. اصطلاح "روح - حزب" (party - spirit) که پیروان آنها، اهداف سیاسی - ایدئولوژیکی را به پیش می برند، بشمول انواع تشکل های "باند مانند" از معیارها و مقرراتی پیروی می کنند، که هم حرکات "تعصب آمیز" را از خود نشان می دهد و هم از تبعیض در برابر دیگران باکی ندارند. در کتگوری های "عقیدتی"، بعضی از پیروان، با تصور سطحی اصطلاح "ایدئولوژی مذهبی" را نیز استفاده می کنند. همه "ایدئولوژی ها" تغییرنا پذیر نیست.

در پرنسپ کسی که معتقد به یک عقیده دینی است، هیچکسی دیگری، حق ندارد از او بپرسد و یا بر او اعتراض کند، که چرا به این "عقیده" است. موضوع "عقیده" طوری که "کانت" از روی "انتقاد تعقل علمی"، "مذهب در محدوده مرزها" و "کارل پوپر" بر اساس "انتقاد منطقی" استدلال نموده اند، نمی توان، با "تئوری های علمی" در یک کتگوی شامل ساخت. به عبارت دیگر برای این چنین پدیده، از دید آنها، نه ثبوت رد و نه هم ثبوت تأیید وجود داشته می تواند. در یک "جمعیت خاص عقیدوی" که می توان آنرا، یک سیستم بسته اجتماعی دانست، می تواند برداشت و احساس افراد، در مقایسه با یکدیگر هم چنان متفاوت باشد و در داخل آن چنان "کتگوری های اجتماعی" حلقات "متعصب افراطی" را از افراد کمتر متعصب تفکیک کرد. یقین است که هر یکی از ما که دارای "سواد" هستیم و کمی هم آگاهی با کلمات اساسی یک زبان "اروپائی" داشته باشیم، اصطلاح "دگما" (Dogma) را شنیده ایم. در "ویکیپدیا" این کلمه "دگما" را با مبداء زبان قدیمی "یونانی" معرفی کرده اند. معنی "تحت الفظی" آنرا "عقیده"، "نظر" و هم "رای" و هم "رای" خوانده اند که در عین حال با مفاهیم چون "ادعای اساسی (فلسفی) علمی" و "درس کوتاه"، "فیصله" و "دستور"، "حکم"، "تجویز" نیز یاد کرده اند. تعریفی که برای این مفهوم "دگما" ارائه شده است، به مفهوم "ثابت" و یا بر طبق یک "نورم" اساسی، حدیث، افسانه، داستان، روایت تئوریک غیر قابل تغییر نیز استعمال شده می تواند.

"تیل راینرز" (Till Reines) در یک صحبت "ویدیویی" که از یک محفل ثبت شده است، اصطلاح "دگماتیزم" را توضیح نموده، می گوید، که افراد معین، بنابر علی به "دگماتیزم" تکیه دارند، که نمی خواهند "تغییر نظر" را بپذیرند

و به عبارت دیگر چنین تکلیفی را به خود قبول کنند. در واقعیت امر، ممکن است برخی ها توان و استعداد تغییر نظر را هم نداشته باشند و یا اصلاً نخواهند. صرفنظر از اینکه عاری از احتمال نیست که



شاید برخی ها، به امید رسیدن به اهداف تخیلی و یا منفعت جوئی، بخصوص برای رسیدن به قدرت سیاسی و موقف با نفوذ در جامعه، بعضی افراد بطور تصنعی نیز، به همچو گروهی از "دگماتیست ها" بپیوندند. با چنین یک اظهار معیاری، بشمول اظهارات تیئوریک ای که ادعای حقیقت آن، غیرقابل فسخ باشد و فقط با پند های اخلاقی مزین شده باشد، نمی توان از

همچو ادعاهای "ثابت"، قانون ساخت که در تمام عمر در جامعه مرعی الاجرا، باشد. «کارل پوپر» که به عوض مقوله ها، و مفکوره های سیاسی مروج، پیشنهاد تغییر اساسی نموده، بهتر می دانسته است، که به جای آن «پیشنهادهای سیاسی» عملی گردد و هم چنان در رابطه با «تعریف دولت» می گوید که این مهم نیست که دولت چگونه تعریف



شده و یا تعریف می شود، بلکه «مهم اینست، که دانست که دولت در ساحة حیات فردی اتباع، با چه شیوه مداخله می کند». در جای دیگر هم چنان می گوید که این هم مهم نیست که چه کسی حکومت می کند. اگر آن حکومت بدون خونریزی قابل تعویض باشد، چنین یک حکومت مطلوب است و هم بشرطی که قدرت در یک نقطه و یا در یک دست متمرکز نباشد. این همه، "مطلق گرایی ها" و اشکال "دگماتیسم" در جمله تیئوری هائی محسوب می گردد، که بر طبق نتیجگیری

های "پوپر" نه "حقیقت" و نه هم "غیر حقیقت" آن، ثابت شده می تواند. او هر "تیئوری" را تا آنزمان درست می داند، که تا آن لحظه ضد آن، ثابت نشده باشد. او لازم می داند که هر تیئوری هم دائماً باید از طریق مشاهدات و تجارت، عدم صدق آن جستجو شود.

"ماری فن ایبنر - ایشنج" بنوبه خود در باره جستجوی "حقیقت" می گوید: «ما حقیقت را جستجو می کنیم، اما می خواهیم فقط آنجا بیابیم، جایی که برای ما محبوب و دلپذیر است.» ۲۳/۰۱/۲۰۲۰

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!

کلمات مترادف!